

این مطالب اگر چه از جهت تاثیر گذاری بر فعالیتهای بانکی در دنیا و اینکه نظام مشارکت در خیلی از بانکهای دنیا مورد توجه قرار گرفته تا حد زیادی صحیح است اما در باره عملکرد بانکهای خودمان به دور از واقعیت است. کارکرد سیزده ساله بانکهای کشور یک نوع بازگشت ماهوی به سیستم بهره را نشان می دهد. این حقیقت تلخ با توضیح مسایل آینده روشن می شود.

۱- جهت گیری بانکها در انتخاب عقود بانکی

با مطالعه آمار و ارقام منتشره از طرف بانک مرکزی^(۶) با گذشت زمان جهت گیری فعالیتهای بانکها عمدتاً به سمت کارگیری عقود بازدهی ثابت است. در حالی که درصد مانده تسهیلات اعطایی به روش عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه) مرتب کاهش پیدا کرده و از ۳۷٪ کل تسهیلات در سال ۱۳۶۳ به ۳۰٪ در سال ۱۳۷۴ رسیده، سهم عقود بازدهی ثابت (فروش اقساطی، جعاله، سلف و اجاره) رشد داشته و از ۳۹/۸٪ در سال ۱۳۶۳ به رقمی در حدود ۵۸٪ در سال ۱۳۷۴ رسیده است و از میان آنها فروش اقساطی که در حقیقت ضعیف ترین نوع عقود بانکی است از همه بیشتر رشد کرده است بطوری که برخی سالها به تنهایی نصف مانده تسهیلات اعطایی را شامل می شود.

فروش اقساطی به این دلیل ضعیف ترین است که اصولاً فرق اساسی بانکداری ربوی و اسلامی چنانچه گذشت در این است که بانکداری ربوی کاری به بخش حقیقی اقتصاد ندارد و صرفاً مؤسسه ای است برای گردش وجوه، از یک طرف پول قرض می کند و از طرف دیگر پول قرض می دهد به خلاف بانک اسلامی که فعالیتش از نوع معاملات حقیقی بوده و در بخش حقیقی اقتصاد کار می کند و این امر در عقد فروش اقساطی خیلی کوتاه آن هم صرفاً روی کاغذ رخ می دهد به این معنا که از وقتی که مشتری کالایی را به صورت نقد به وکالت از طرف بانک می خرد و فاکتورش را به بانک تحویل می دهد تاموقعی که این فاکتور قسط بندی شده و به مشتری منتقل شود بانک مالکیت آن کالا را دارد که عادتاً در این فاصله هیچ تغییری در اقتصاد واقعی رخ نمی دهد و بنا هم نیست رخ دهد بانک نیز کوچکترین دخل و تصرفی در کالا ندارد به عبارت دیگر چنانچه گذشت کار بانک در فروش اقساطی اعطای وجه نقد به مشتری و گرفتن آن وجه به اضافه سود به صورت اقساطی است دقیقاً همان گونه که در بانکداری ربوی صورت می گیرد، در حالی که در عقود مشارکت بانک از اول انعقاد عقد مشارکت مدنی، یا حقوقی و مضاربه تا پایان شرکت و مضاربه که ممکن است سالها طول بکشد مالکیت حقیقی بر اموال و دارائی شرکت و موضوع مضاربه دارد و فعالیتش در بخش واقعی اقتصاد است.

۲- تغییر ماهیت عقود مشارکت

با گذشت زمان علاوه بر جهت‌گیری بانکها در جایگزین کردن عقود بابازدهی ثابت بجای عقود مشارکتی، اقدام به تغییر ماهیت در عقود مشارکتی کرده و آنها را در عمل تبدیل به عقود بابازدهی ثابت کرده‌اند، مدیر عامل یکی از بانکهای مهم کشور در بیان نحوه عملکرد عقد مشارکت مدنی می‌گوید: «در مشارکت مدنی بانکها عموماً ملاحظه قانونی مربوط به پیش‌بینی سود را ندیده می‌گیرند و از همان ابتدا نرخ‌های مربوط به پیش‌بینی حداقل سود را بدون توجه به واقعیت و میزان سود محقق، تعیین و محاسبه و از مشتری مطالبه می‌نمایند.»^(۷)

و در مورد مضاربه می‌گوید: «در عمل بانکها بدون توجه به نتایج واقعی معامله - مضاربه - حداقل سود پیش‌بینی شده را مطالبه می‌کنند... عملاً اعطای تسهیلات بر مبنای مضاربه را به صورت اعتبار در حساب جاری درآورده است زیرا مشتریان تحت عنوان مضاربه وجوه را از بانک دریافت کرده همین وجوه را به علاوه حداقل سود مورد انتظار بانک بازپرداخت می‌نمایند.»

به عبارت صحیح‌تر عقود مشارکتی در مقام اجرا از عقود بابازدهی ثابت به سیستم بهره نزدیکتر شده‌اند.

۳- صوری شدن معاملات

سخن در صوری شدن معاملات بانکها بسیار است. اما برای پرهیز از طولانی شدن بحث به نقل قسمت‌هایی از تحقیقی که توسط وزارت اقتصاد و دارایی در مورد عملکرد بانکها انجام گرفته اکتفا می‌کنیم. در این تحقیق آمده است:

«یکی از مشکلات بانکداری کنونی عملکرد صوری بسیاری از بانکهاست. به عنوان مثال با استفاده از عقد جعاله جهت تعمیر مسکن تسهیلاتی داده می‌شود و حال آنکه بانک که عامل جعاله است تنها به مراجعه کننده پول می‌دهد که خود او اقدام به تعمیر مسکن خود کند و این به واقع جعاله نیست.

در مواردی نیز برای تعمیر مسکن تسهیلاتی می‌دهد بدون اینکه گیرنده پول مسکن داشته باشد، یا اگر دارد نیازی به تعمیر ندارد یا اگر نیاز به تعمیر دارد پول آن را برای مصرف دیگری به کار می‌اندازد.

گاهی محاسبات بانک، صوری است، مثلاً در مشارکت مالی و فروش اقساطی مسکن، معمولاً قیمت‌گذاری بانک واقعی نیست. هدف دریافت اصل مبلغ پرداخت شده همراه سود مورد نظر است و قیمت براساس آن تعیین می‌گردد.

... کشاورز تقاضای پول به عنوان خرید تراکتور می‌کند اما واقع این نیست، می‌خواهد مثلاً هزینه عروسی راتامین کند فاکتوری را درست می‌کند و یا حتی در موارد زیادی مشاهده شده که کارگزار بانک راهنمایی می‌کند و می‌گوید شما بروید یک فاکتور بیاورید در برابر همان فاکتور

ساختگی پول را می‌دهد. نتیجه آن است که این سود، سود فعالیت اقتصادی نیست و بانکداری بدون ربا، آن ارتباط تنگاتنگی که بین بازار کالاها و خدمات و بازار پولی باید فراهم کند نمی‌تواند فراهم کند. از نظر فقهی و شرعی هم نه آن تقاضایی که او کرده تقاضای به جایی است و نه مساعدتی که بانک کرده مساعدت درستی است و در واقع به بانکداری بدون ربا یک صورت شرعی داده‌ایم نه واقعیت شرعی»^(۸)

مشکلات بانکداری بدون ربا

از همان سالهای اول اجرای قانون بانکداری بدون ربا، نظام بانکی و مشتریان بانکها دچار یک سری مشکلات اساسی گردید، برخی از این مشکلات و نارسائیه‌ها مربوط به مرحله اجرا و مدیریت می‌شود که می‌توان با کار و تلاش و همفکری برطرف کرد لکن برخی دیگر ناشی از سیستمی است که بجای سیستم بهره جایگزین شده و مربوط به عملکرد عقود بانکی است. در این بخش از مقاله بایان این مشکلات نشان می‌دهیم که همه آنها ناشی از بکارگیری عقود با بازدهی ثابت در نظام بانکی است و اگر بجای آنها از عقود مشارکتی (بنحو صحیح) استفاده می‌شد هیچ یک از آن مشکلات پدید نمی‌آمد.

اهم این نارسائیه‌ها و مشکلات عبارتند از:

۱- حضور واقعی سیستم بهره در معاملات بانکی

نگرانیه‌های مسئولین بانکی از تغییرات ساختاری و اساسی موجب شده در تنظیم آئین نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی همیشه جانب احتیاط را پیش گرفته، بانکها را از درگیر شدن با اقتصاد حقیقی دور داشته و به سمت گردش صرف وجوه بانرخیهای مدیریت شده سوق دهند، اگر صوری شدن برخی معاملات و احتیاطهای مدیران اجرایی را در تغییر ماهوی عقود مشارکتی را نیز به این مطلب اضافه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که بانکداری بدون ربا جز در موارد اندکی چون سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی در حقیقت همان مسیر سیستم بهره را با اضافه کردن یک سری روابط پیچیده ناشی از تعدد عقود می‌پیماید. به عبارت دیگر گویا پیام بانکداری بدون ربا به بانکداران سنتی این است که ما هم می‌توانیم فعالیتهای بانکی شما را انجام دهیم تنها با این تفاوت که قالبهای حقوقی ما مقداری پیچیده و مشکل است.

بنابر این بانکداری بدون ربا با این آئین نامه‌ها و اجراء همان سیستم بهره است و تمام آثار سوء اقتصادی آن را بدنبال خواهد داشت و به همین جهت است که هیچ استفاده‌کننده‌ای از تسهیلات بانکی در عمل بانک را در کنار خود احساس نمی‌کند در حالیکه هدف از چنین تحولی چنانچه از زبان رئیس کل بانک مرکزی وقت بیان کردیم، مشارکت صاحبان سرمایه با صاحبکاران اقتصادی بود. که این تنها با اجرای صحیح عقود مشارکتی عملی است.

۲- پایین بودن بازدهی بانکها

سود یا بهره واقعی	نرخ تورم	سود یا بهره اسمی	سال
+ ۱/۲	۶/۳	۷/۵	۱۳۵۱
- ۲/۴	۱۱/۴	۹	۱۳۵۲
- ۶/۶	۱۵/۶	۹	۱۳۵۳
- ۰/۹	۹/۹	۹	۱۳۵۴
- ۷/۵	۱۶/۵	۹	۱۳۵۵
- ۱۴/۹	۲۴/۹	۱۰	۱۳۵۶
۰	۱۰	۱۰	۱۳۵۷
- ۲/۸	۱۱/۳	۸/۵	۱۳۵۸
- ۱۵/۱	۲۳/۶	۸/۵	۱۳۵۹
- ۱۴/۵	۲۳	۸/۵	۱۳۶۰
- ۱۰/۷	۱۹/۲	۸/۵	۱۳۶۱
- ۶/۳	۱۴/۸	۸/۵	۱۳۶۲
- ۱/۴	۱۰/۴	۹	۱۳۶۳
+ ۱/۱	۶/۹	۸	۱۳۶۴
- ۱۵/۲	۲۳/۷	۸/۵	۱۳۶۵
- ۱۹/۲	۲۷/۷	۸/۵	۱۳۶۶
- ۲۰/۴	۲۸/۹	۸/۵	۱۳۶۷
- ۸/۹	۱۷/۴	۸/۵	۱۳۶۸
+ ۴	۹	۱۳	۱۳۶۹
- ۶/۷	۲۰/۷	۱۴	۱۳۷۰
- ۹/۴	۲۴/۴	۱۵	۱۳۷۱
- ۶/۹	۲۲/۹	۱۶	۱۳۷۲
- ۱۹/۸	۳۵/۲	۱۵/۵	۱۳۷۳
- ۳۰/۹	۴۹/۴	۱۸/۵	۱۳۷۴

یکی از مشکلات بانکداری ایران پایین بودن سود پرداختی به سپرده‌گذاران نسبت به تورم موجود در جامعه است. بررسی آمارهای مربوط به تورم و سود پرداختی به سپرده‌های بلند مدت - که بالاترین سود بانکی را دارند - نشان می‌دهد که سود پرداختی نوعاً به مراتب کمتر از تورم موجود است به عبارت صحیح‌تر سپرده‌گذاران معمولاً بجای سود، ضرر دریافت کرده‌اند.

البته باید اذعان کرد که این مشکل اختصاصی به بانکداری بدون ربا ندارد قبل از اجرای قانون بانکداری بدون ربا زمانی که بانکداری ایران بر اساس سیستم بهره اداره می‌شد حتی در اوج شکوفایی خود (دهه ۱۳۵۰) همین مشکل را داشته است. در واقع این مشکل، مشکل هر نظام بانکی است که با نرخهای ثابت مدیریت شده معاملاتش را انجام می‌دهد اعم از اینکه آن معاملات در قالب سیستم بهره باشد یا در قالب عقود بابازدهی ثابت. وقتی که مسئولین بانکی بدلیل تأثیر سوء نرخ بهره و سود بر تورم و بدلیل مشکلات ساختاری سرمایه‌گذاری مجبور می‌شوند نرخ بهره و نرخ سود بانکها را در سطح پائین‌تر از تورم انتظاری تعیین کنند بایستی منتظر چنین مشکلی نیز باشند.

یکی از مزایای مهم عقود مشارکت نسبت به سیستم بهره و عقود بابازدهی ثابت این است که در عقود مشارکت دارایی بانکها و سپرده‌گذاران تبدیل به سرمایه‌های حقیقی شده و در مالکیت آنها باقی می‌ماند و همراه با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ارزش آن دارایی‌ها نیز افزایش پیدا

می‌کند بنابراین این نه بانک و نه سپرده‌گذاران از تورم متضرر نمی‌شوند، در عین حال که نرخ بهره و نرخ سود از قبل تعیین شده‌ای نیز وجود ندارد تا از طریق هزینه‌های تولید بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر گذارد. این مزیت عقود مشارکت خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که معمولاً از یک اقتصاد توأم با تورم برخوردارند بسیار حایز اهمیت است.

۳- مشکل تمدید مدت

در عقود بابازدهی ثابت بعد از پایان عقد رابطه طرفین رابطه «داین» و «مدیون» یا طلب کار و بدهکار است، و مدیون موظف است در موعد مقرر مبلغ بدهی را به طلبکار بپردازد. حال اگر به دلالی - هرچند موجه - بدهکار توان پرداخت بدهی خود را نداشته باشد و یا پرداخت آن را به مصلحت خود نبیند بانک با مشکل مهمی مواجه می‌شود. زیرا اگر بدون گرفتن زیاده تمدید کند نه تنها زمینه را برای سوء استفاده دیگران فراهم می‌آورد بلکه دارایی بانک و سپرده‌گذاران را تا مدتی عقیم می‌کند و اگر بخواهد در مقابل تأخیر پرداخت زیاده بگیرد ربا و حرام است.

این مشکل بانک را ناگزیر کرد برای تأخیر در پرداخت جریمه‌های وضع کند و این جریمه اگرچه از نظر برخی - فقهای شورای نگهبان - مجاز است لیکن به نظر می‌رسد که مشکل ربوی بودن آن هنوز پابرجاست، زیرا صدق عنوان جریمه مانع از صدق عنوان ربا نمی‌شود و با صدق عنوان ربا حرام بودن آن محرز است. در حالی که این مشکل در عقود مشارکت اصلاً پیش نمی‌آید، برای مثال وقتی بانک با صاحبکار اقتصادی در سرمایه‌گذاری کارخانه‌ای شریک می‌شود و مقرر می‌شود شریک بتدریج سهم بانک را بخرد و بعد به دلالی عاجز از خریدن می‌شود بانک هیچ ضرری را متحمل نمی‌شود زیرا تا هر زمان که شرکت ادامه داشته باشد، بانک سود حاصل از فعالیت را نسبت به سرمایه‌اش برداشت می‌کند و تا هر زمان که بخواهند می‌توانند قرارداد را تمدید کنند.

۴- کوتاه مدت شدن تسهیلات بانکی

اقتصاد تمام جوامع خصوصاً کشورهای در حال توسعه به علل شناخته شده و ناشناخته، قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی معمولاً همراه با دوره‌های رونق و رکودهای پی در پی می‌باشد اعطای تسهیلات با نرخ بهره و سودهای مدیریت شده در چنین اقتصادهایی شبیه قمار می‌ماند چنانچه در مقدمه توضیح دادیم تولیدکننده‌ای که در شرایط تورمی اعتبار بلند مدت را با نرخ بهره بالایی گرفته بعد از ثبات قیمت‌ها یا ورود اقتصاد به دوره رکود دچار بحران مضاعف می‌گردد کمالینکه در نقطه مقابل بانکی که در شرایط ثبات قیمت‌ها یا در دوره رکود با نرخ بهره یا سود کم تسهیلات بلند مدت در اختیار متقاضیان قرارداده در شرایط تورمی و رونق احساس

می‌کند متاع خود را ارزان فروخته است این امر موجب می‌شود هر دو طرف با احتیاط عمل کرده از دادن و گرفتن تسهیلات بانکی بلند مدت اجتناب کنند که صدمات زیانباری بر اقتصاد دارد و مانع اجرای طرحهای بزرگ و زیربنایی می‌گردد.

عقود مشارکت بخاطر خصلت انعطاف پذیریشان در دوره‌های رونق و رکود و شرایط تورمی و ثبات قیمتها زمینه را برای دادن و گرفتن تسهیلات بلند مدت فراهم می‌آورد وقتی صاحب سرمایه و صاحبکار اقتصادی از کارایی فعالیت خاصی مطمئن شدند می‌دانند که در عقود مشارکت متناسب با حالات و شرایط مختلف اقتصادی سود می‌برند و در هیچ وضعیتی یکی به نفع دیگری بازنده نیست. بعد از اجرای بانکداری بدون ربا بدلیل همان احتیاطهایی که در بالا بیان کردیم غالب تسهیلات (غیر از بخش مسکن) کوتاه مدت شده‌اند بطوری که طبق تحقیق انجام شده طول عمر متوسط تسهیلات اعطایی در حدود یک سال است.

۵- کاهش قدرت بانک مرکزی در اعمال سیاستهای پولی

در عقود بابازدهی ثابت، مبلغی را که متقاضی تسهیلات در نهایت باید به بانک بپردازد - به عنوان قیمت کالا و خدمات - امری ثابت و غیر قابل تغییر است، مثلاً وقتی کالای سرمایه‌ای که یک میلیون قیمت دارد به دو میلیون بطور اقساط فروخته می‌شود آن دو میلیون تا هر زمان هم طول بکشد قابل تغییر نیست، چون قیمت کالای فروخته شده را نمی‌توان تغییر داد. حال آنکه در عقود مشارکت این امکان برای بانک هست که حتی از ابتدا با متقاضی تسهیلات (شریک) شرط کند که تا فلان تاریخ اگر نتوانست سهم بانک را خریداری کند بانک می‌تواند سهم خود را از سود تغییر دهد.

این مزیت موقعی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم یکی از ابزارهای پیش‌بینی شده برای سیاست‌های پولی در نظام بانکداری بدون ربا، تغییر نسبت‌های سود می‌باشد، یعنی بانک مرکزی در مواقع مقتضی برای تنظیم حجم سپرده‌ها می‌تواند از ابزار تغییر نسبت‌های سود استفاده کند، برای مثال وقتی بانک مرکزی احساس می‌کند که تقاضای تسهیلات بانکی نسبت به حجم سپرده‌ها بیشتر است، می‌تواند با تغییر نسبت تقسیم سود به نفع بانک سود سرمایه‌گذاران را کاهش و سود سپرده‌گذاران را افزایش دهد و این امر موجب می‌شود از یک طرف تقاضای سرمایه کاهش پیدا کند و از طرف دیگر حجم سپرده‌ها افزایش یابد و در نهایت در نسبت معینی به تعادل برسند حال اگر تسهیلات اعطایی بانکها با استفاده از عقود بابازدهی ثابت باشد اعمال این سیاست پولی نسبت به تسهیلات اعطاء شده ممکن نیست. ولی اگر از نوع عقود مشارکت باشد به راحتی بانک‌های تجاری می‌توانند نسبت‌های سود را به نفع سپرده‌گذاران یا برعکس تغییر دهند بنابراین می‌توان گفت که عقود بابازدهی ثابت تا حد زیادی مانع اجرای سیاست‌های پولی بانک مرکزی می‌شوند در حالی که عقود مشارکت به خوبی می‌توانند حامل سیاست‌های پولی باشند.

۶- شبهه‌ناک شدن معاملات بانکی

یکی از مشکلات مهم بانکداری بدون ربا، شبهه‌ناک بودن معاملات بانکی است، بطوری که رئیس سابق بانک مرکزی می‌گوید: «در تحقیقاتی که در استان‌های مختلف انجام پذیرفته است حتی علما نیز می‌گویند کارهایی که شما انجام داده‌اید دقیقاً همین جایگزین کردن کلمه سود به جای بهره است لاغیر»^۱.

و این مشکل نیز عمدتاً ناشی از بکارگیری عقود بابازدهی ثابت است، عقود بابازدهی ثابت ماهیتاً طوری هستند که با یک چرخش مختصر تبدیل به ربا می‌شوند بنابر این شبهه ربوی بودن در آنها بسیار زیاد است و اگر بانک بخواهد خود را از این شبهه‌رهایی دهد آثار و لوازمی دارد که هیچ بانکی به آن تن نمی‌دهد مثلاً اگر بانک بخواهد در فروش اقساطی به واقع خود را از شبهه ربا رها کند، می‌بایست در هر شهری هر بانکی - اگر نگوئیم هر شعبه‌ای - یک فروشگاه بزرگی که فروشنده انواع مواد اولیه کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای و مصرفی است دایر کند و آنها را به متقاضیان تسهیلات به صورت اقساط بفروشد و متقاضیان اقساط را به بانک واریز کنند، در این صورت شبهه‌ای نخواهد بود، اما آنچه امروزه در بانک‌ها انجام می‌شود این است که متقاضی سراغ بانک می‌رود و اظهار می‌دارد که فلان کالا را می‌خواهد و قیمتش در بازار مثلاً یک میلیون است بانک ابتدا یک التزام و تعهدی از او می‌گیرد که در صورت تهیه آن کالا حتماً از بانک خواهد خرید، بعد به خود او وکالت می‌دهد که آن را برای بانک خریداری کند وقتی وی فاکتور خرید را به بانک تحویل می‌دهد با احتساب سود متناسب با مدت و تعداد اقساط، کالای مذکور را مثلاً به دو میلیون به او می‌فروشد متقاضی می‌بیند نتیجه کار همان شد که قبلاً با بانک ربوی انجام می‌داد یعنی یک میلیون از بانک گرفته و دو میلیون به اقساط پرداخت می‌کرد و تنها فرق در این است که یک سری رفت و آمدهای زاید و پرهزینه را متحمل شده است به ویژه وقتی که پای برخی فاکتورهای ساختگی به بانک باز می‌شود شبهه فراگیر شده کارگزاران بانک را هم در برمی‌گیرد. در

۱- قسمتی از بیانات جناب آقای دکتر عادل رییس کل سابق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نقل از مجموعه مقالات و سخنرانیهایی ارائه شده در نخستین سمینار بانکداری اسلامی چنین است:
«... در تحقیقاتی که در خلال ۷ تا ۱۰ ماه گذشته از طریق سر زدن به استانهای مختلف و صحبت‌هایی که ما با علماء انجام داده‌ایم، احساس می‌شود که آنها هم موضوع را نمی‌دانند یعنی آنها هم می‌گویند کارهایی را که شما انجام داده‌اید، همان جایگزین کردن کلمه سود به جای بهره است و لاغیر.»

البته این اظهار نظر مبتنی بر عدم اطلاع از نظام بانکداری جدید کشور آنها در سالهای آغازین برای عملیات بانکی بدون ربا، نمی‌تواند ملاک قضاوت قطعی قرار گیرد. ممکن است در جریان اجراء، کاستی‌ها و نارسائی‌هایی وجود داشته باشد که ان‌شاء‌الله با سعی و مجاهدت کارگزاران بانکی کشور و در طول زمان برطرف خواهد شد، مضافاً اینکه، سیر تکاملی بانکداری بدون ربا در کشور ما همواره مدیون و مرهون نظرات و رهنمودهای تنی چند از برجسته‌ترین علماء حوزه‌های علمیه بوده است (ناشر)

حالی که در عقود تا زمانی که ماهیت‌شان محفوظ بماند قابل فهم برای همه هست، وقتی بانک و متقاضی هر کدام میزان مشخصی در واحد خاصی سرمایه‌گذاری می‌کنند و در مالکیت آن شریک شده سود حاصل از فعالیت را به نسبت سرمایه بین خودشان تقسیم می‌کنند جایی برای بروز شبهه ربا باقی نمی‌ماند.

باید توجه داشت که تصور مردم از ربوی بودن بانک‌ها چه درست باشد چه نادرست زیان‌های فراوانی دارد.

اولاً، قبح و حرمت رباخواری در ذهن و فکر عامه مردم از بین می‌رود، یا بسیار کم رنگ شده می‌گویند: اگر واقعاً ربا حرام است، چرا بیشتر داد و ستدهای بانکها در نظام جمهوری اسلامی براساس ریاست؟

ثانیاً، موجب می‌شود افراد با ایمان جامعه با بانکها همکاری نکنند. آنان به جهت پرهیز از مبتلا شدن به ربا اقدام به افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری یا اخذ تسهیلات بانکی جهت حل مشکل مالی خود نمی‌کنند و در نتیجه کارایی بانکها کاهش می‌یابد.

الگوی مطلوب بانکداری اسلامی^(۱۲)

در این بخش با توجه به ویژگیهای عقود مشارکت و با توجه به الگوی بانکداری بدون ربا در ایران و مطالعاتی که در مورد بانکهای اسلامی دیگر کشورهای اسلامی انجام گرفته و با توجه به مدل‌های پیشنهادی از طرف محققین، در صدد ارائه الگویی هستیم که بصورت خلاصه دارای ویژگیهای زیر می‌باشد.

ویژگیهای الگوی مطلوب

- ۱- مطابق فقه اسلام و خالی از ربا و شبهه ریاست.
- ۲- از جهت تجهیز منابع و اعطای تسهیلات جامع و فراگیر است.
- ۳- تغییرات (نوسانات) سپرده‌های سرمایه‌گذاری به حداقل ممکن می‌رسد.
- ۴- طرق اعطای تسهیلات (عقود بانکی) به حداقل ممکن تقلیل می‌یابد.
- ۵- مشکل تمدید مدت حل شده جایی برای بحث جریمه تأخیر نمی‌ماند.
- ۶- قابلیت اجرای سیاست‌های پولی را دارد.
- ۷- تورم، موجب کاهش ارزش دارایی‌های بانک و سپرده‌گذاران نمی‌شود.
- ۸- طرح‌های بلند مدت سرمایه‌گذاری جایگزین طرح‌های کوتاه مدت می‌شود.

مردم به طور کلی با دو انگیزه پول‌های خود را به عنوان سپرده به بانک می‌دهند: گروهی به قصد کسب درآمد اقدام به این کار می‌کنند؛ گروهی نیز اهداف دیگری چون معاملات حساب جاری، پس‌انداز، کمک به اعطای قرض‌الحسنه توسط بانک دارند. بانک‌ها سپرده‌های گروه دوم را - چنان که در قانون بانکداری بدون ربا آمده - به عنوان قرض قبول کرده برگشت اصل آن را عندالمطالبه تضمین می‌کنند و سودی به آنها تعلق نمی‌گیرد. این وجوه جزو منابع خود بانک به حساب آمده، بانک‌ها می‌توانند آنها را با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی و متناسب با سیاست‌های پولی کشور مصرف کنند.

اما سپرده‌های گروه اول که تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری یاد می‌شود، بانک‌ها به دو روش می‌توانند اقدام به جذب آنها کنند:

۱- بانک‌ها سپرده‌ها را قبول کرده به عنوان وکیل عام - از طرف سپرده‌گذاران - آنها را از طریق عقود شرعی در طرح‌های سودآور به کار می‌گیرند که در این صورت حاصل عملیات اعم از سود و زیان متعلق به سپرده‌گذاران است و بانک‌ها به میزان حق‌الوکاله به کارگیری این نوع سپرده‌ها در سود عملیات سهم می‌باشند.

۲- بانک با فروش سهام خود، سپرده‌ها را جذب می‌کند؛ به این معنا که بانک یک مؤسسه مالی با درآمد مالی است و می‌تواند سهام خود را به فروش رسانده و پول حاصل را در توسعه سرمایه‌گذاری‌هایش - که عمدتاً تأمین سرمایه طرح‌های سرمایه‌گذاری از طریق عقود مشارکت است - به کارگیرد به این صورت که بانک‌ها با انتشار اوراق سهام پنج ساله به جذب پس‌اندازهای مردم اقدام می‌کنند و سپرده‌گذاران به منزله صاحبان سهام بانک در می‌آیند. اگر سودی عاید بانک شود بین آنان تقسیم می‌شود و اگر بانک متحمل زیان شود در زیان سهم می‌شوند. این روش از جهات مختلف نسبت به روش اول برتری دارد.

یک: تعدد انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری - کوتاه مدت، یک ساله، سه ساله، پنج ساله، و ... - از بین رفته همه از یک نوع خواهند بود.

دو: صاحبان سپرده لازم نیست در مواقع احتیاج، قراردادشان را با بانک فسخ کرده به سود سپرده‌های کوتاه مدت راضی شوند. بلکه می‌توانند در بازار سهام - یا در خود بانک - آن را به فروش برسانند، که علی‌القاعده متناسب با میزان کارایی بانک، هرچه به سررسید سال پنجم نزدیک‌تر بشویم قیمت سهام افزایش پیدا می‌کند.

سه: تغییرات و نوسانات سپرده‌های سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کرده در نتیجه بانک‌ها بهتر می‌توانند برنامه‌ریزی کنند.

چهار: به دلیل ثبات سپرده‌های سرمایه‌گذاری نرخ ذخیره قانونی این سپرده‌ها که در حال

حاضر بین ده تا بیست و پنج درصد است، می‌تواند به حداقل ممکن کاهش یافته، حتی به صفر برسد و در نتیجه کارایی بانک را بالا ببرد.

پنج، چنان که در بحث‌های پولی توضیح خواهیم داد، بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش این سهام همانند عملیات بازار باز سیستم ربوی، اقدام به اعمال سیاست‌های پولی کند.

شیوه‌های اعطای تسهیلات

قبل از بیان طرق اعطای تسهیلات، لازم به توضیح است که در الگوی مورد نظر بانک‌ها به دو گروه تخصصی و عمومی تقسیم می‌شوند- اینک نیز چنین است - و از جهت نوع فعالیت تا حدودی با هم فرق دارند. از آنجایی که اعطای تسهیلات عمدتاً به شیوه مشارکت در سرمایه‌گذاری است - که نیاز به نظارت دارد - بانک‌های تخصصی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. کما اینکه امروزه در دنیا یک نوع گرایش خاصی به سمت تخصصی شدن مؤسسات پولی و مالی از جمله بانک‌ها وجود دارد. بنابراین طرق اعطای تسهیلات و به بیان دیگر به کارگیری سپرده‌های فراهم شده را در دو بخش بانک‌های تخصصی و عمومی بحث خواهیم کرد.

الف . بانک‌های تخصصی

این بانک‌ها که در بخش‌های مختلف اقتصادی - صنعت، معدن، کشاورزی، خدمات و بازرگانی - به صورت تخصصی فعالیت می‌کنند، وجوه حاصل از فروش سهام بانک - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مشتریان - را می‌توانند به طریق زیر مصرف کنند.

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش مربوط

بانک‌ها می‌توانند بخشی از وجوه مذکور را به طور مستقیم مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری، در بخش‌های مربوط، سرمایه‌گذاری کنند و با جذب نیروهای متخصص به فعالیت اقتصادی بپردازند. روشن است که چنین فعالیت‌هایی با دلیل برخورداری از منابع مالی مردمی می‌تواند بسیار گسترده بوده از سودآوری قابل توجهی برخوردار باشد. هم چنین به دلیل متعدد و متنوع بودن طرح‌های سرمایه‌گذاری، احتمال ضرر یا حتی پایین آمدن سود از «بازدهی متوسط سرمایه در کل اقتصاد» دور از انتظار خواهد بود.

۲- مشارکت حقوقی یا خرید و فروش سهام شرکت‌های بخش مربوط

برای حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش مورد نظر، بانک‌های تخصصی می‌توانند بخشی از وجوه جمع‌آوری شده را به خرید سهام واحدهای تازه تأسیس یا در حال تأسیس اختصاص دهند.